

## گفت و گو

## دستبرد به خمره خانه مادر بزرگ

سارق یا سارقان به خمره خانه یک پیرزن روستایی دستبرد زدند و حاصل دسترنج یک عمر وی را به یغما بردند. وقتی پیرزن تنها مثل همیشه شب را در خانه یکی از نوه هایش سپری می کرد سارق یا سارقان با سوء استفاده از این ماجرا به انباری وی دستبرد زدند و دیگ و مجمعه های مسی وی را به غارت بردند. پسر بانوی مال باخته در این باره گفت: ما درم چون تنها بود هر شب در خانه یکی از نوه هایش می ماند. این ماجرا ادامه داشت تا این که یک شب سارق یا سارقان از طریق پشت بام وارد حیاط و با شکستن قفل در، وارد خمره خانه وی شدند و دیگ و مجمعه های مسی و همچنین سماور برنجی قدیمی گران قیمت او را سرقت کردند. حتی سارق یا سارقان وارد خانه نشیمن مادرم هم شده و آن جا را زیر و رو کرده بودند اما چیز با ارزشی نصیب شان نشده بود.

چون خمره خانه در زیرزمین بود و مادرم به آن جا خیلی کم رفت و آمد داشت، روز بعد اصلاً متوجه سرقت وسایل با ارزشش نشد. چند روز از سرقت گذشته بود تا این که یک روز من برای برداشتن چند کیسول گاز سراغ خمره خانه رفتم و در کمال تعجب دیدم قفل در چوبی از جا کنده شده و همه چیز به هم ریخته است. بعد از بررسی با مادرم متوجه شدیم که چندین دیگ و مجمعه بزرگ مسی به همراه سماور قدیمی و چندین کیسول گاز از سوی سارق یا سارقان به سرقت رفته است و به نوعی خمره خانه را جارو کرده اند.

## تلنگر

## احضاریه

متهمی که توسط مرجع قضایی احضار می شود به دستور ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری مکلف به حضور در موعد مقرر است و اگر بدون عذر موجه حضور نیابد طبق ماده ۱۷۹ از همان قانون به دستور بازپرس جلب می شود. بر این اساس متهم مکلف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام کند. جهات زیر عذر موجه محسوب می شود:

الف- نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به گونه ای که مانع حضور شود.  
ب- بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع حضور شود.  
پ- همسر یا یکی از اقوام تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود.  
ت- ابتلا به بیماری های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد شود.  
ث- متهم در توقیف یا حبس باشد.  
تبصره- در صورتی که احضاریه، اطلاع قانونی شده باشد و بازپرس احتمال دهد که متهم از احضاریه مطلع نشده است، وی را فقط برای یک بار دیگر احضار می کند. در ماده ۱۸۷ قانون مذکور در خصوص عدم حضور متهم و در راستای حمایت از وی آمده است: هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری، کپولت سن یا معاذیری که بازپرس موجه تشخیص می دهد، نتواند نزد بازپرس حاضر شود، در صورت اهمیت و فوریت امر کیفری و امکان انجام تحقیقات، بازپرس نزد او می رود و تحقیقات لازم را به عمل می آورد.

در ماده ۱۷۹ نیز چنین آمده است:

متهمی که بدون عذر موجه حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور بازپرس جلب می شود.  
تبصره- در صورتی که احضاریه، ابلاغ قانونی شده باشد و بازپرس احتمال دهد که متهم از احضاریه مطلع نشده است، وی را فقط برای یک بار دیگر احضار می کند. در ماده ۱۸۷ قانون مذکور در خصوص عدم حضور متهم و در راستای حمایت از وی آمده است: هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری، کپولت سن یا معاذیری که بازپرس موجه تشخیص می دهد، نتواند نزد بازپرس حاضر شود، در صورت اهمیت و فوریت امر کیفری و امکان انجام تحقیقات، بازپرس نزد او می رود و تحقیقات لازم را به عمل می آورد.

ماجرای مردی که زنش را به جای خودش دکتر می فرستاد

## عاقبت تنبلی

**صدیقی-** مردی که به خاطر تنبلی و البته مشغله کاری هر بار زمان بروز بیماری اش همسر خود را به جای خودش به دکتر می فرستاد و داروهای تجویز شده وی را خودش مصرف

می کرد ماجرای عجیبی برایش رقم خورد. زن هر بار به جای همسرش به دکتر مراجعه می کرد و با گفتن نشانه های درد و بیماری شوهرش ویزیت می شد و دارو می گرفت تا این که ورق

## سرانجام تلخ دوستی خیابانی

## یوسف صدیقی

زمانی که عصبانی می شد مثل یک حیوان وحشی به من حمله می کرد و مرا روی زمین می انداخت و بعد از آن هم به شدت مرا گاز می گرفت تا جایی که روی بدنم رد دندان هایش باقی مانده است.

زن جوان که به شدت از رفتارهای همسرش به ستوه آمده است و از بازگو کردن رفتارهای ناپسند شوهرش خجالت می کشد می گوید: همسر به تمام معنا یک آدم

پر خاشگر بود. وقتی عصبانی می شد کسی جلودارش نبود. اول با چوب و چماق و مشت مرا می زد و بعد هم مرا لگدکوب می کرد و اگر دستش می رسید گاز هم می گرفت! ازدواج ما از اول مسیر درشتش را طی نکرد چون نحوه آشنایی مان با دوستی خیابانی شروع شد و بعد از مدتی ارتباط مخفیانه مان به ازدواج ختم شد.

دانشجو و غرق در غرور و سرور بودم. البته با چند نفری هم قبل از ازدواجم در دانشگاه دوست بودم اما فقط در حد قرار گذاشتن در کافی شاپ.

این دور دور کردن هایم در خیابان ها با دوستان دانشگاهی ام ادامه داشت تا این که یک روز با همسر سر یک ماجرا آشنا و با او دوست شدم. رابطه مان کم کم از حد حرف فراتر رفت و وارد رابطه نامشروع

شدیم. بعد از مدتی دوستی خیابانی و کش و قوس های فراوان با هم ازدواج کردیم و بعد از آن بود که در دسرهای دوستی خیابانی مان

بروز کرد. همسر به خاطر این که قبل از ازدواج با دختران زیادی دوست بود به همه چیز مشکوک بود.

مدام به همین دلیل به من گیر می داد و مرا به شدت کتک می زد.

بعد از گذشت مدتی از ازدواج مان به من گیر می داد که قبل از ازدواج به او خیانت کرده ام.

سر همین تهمت ها با هم جر و بحث می کردیم و در آخر هم کار به کتک کاری و ضرب و شتم می رسید و تنم را سیاه و کیود می کرد.

خانواده همسر هیچ قید و بندی نداشتند. پدر همسر به خاطر کارهای خلاف و کلاهبرداری مدام در زندان به سر می برد و خواهران شوهرم که اعتیاد داشتند تن به هر



بعد از مدتی دوستی خیابانی و کش و قوس های فراوان با هم ازدواج کردیم و بعد از آن بود که در دسرهای دوستی خیابانی مان بروز کرد

بروز کرد. همسر به خاطر این که قبل از ازدواج با دختران زیادی دوست بود به همه چیز مشکوک بود. مدام به همین دلیل به من گیر می داد و مرا به شدت کتک می زد. بعد از گذشت مدتی از ازدواج مان به من گیر می داد که قبل از ازدواج به او خیانت کرده ام. سر همین تهمت ها با هم جر و بحث می کردیم و در آخر هم کار به کتک کاری و ضرب و شتم می رسید و تنم را سیاه و کیود می کرد. خانواده همسر هیچ قید و بندی نداشتند. پدر همسر به خاطر کارهای خلاف و کلاهبرداری مدام در زندان به سر می برد و خواهران شوهرم که اعتیاد داشتند تن به هر

کار ناشایستی می دادند. شوهرم با آن که به خاطر دوستی قبل از ازدواج مان به من گیر می داد و کتکم می زد خودش همچنان بعد از تشکیل زندگی مشترک مان به رابطه با دختران غریبه ادامه

برگشت و کار دست شوهرش داد. مرد دچار مسمومیت و درد شدید در این باره گفت: مدت ها بود به خاطر تنبلی و همچنین مشغله کاری هر بار که دچار بیماری می شدم با گفتن نشانه ها و علایم بیماری ام همسرم به جای من به دکتر مراجعه می کرد و با ظاهر سازی و گفتن همان علایم ویزیت می شد و بعد از آن هم داروها را به من می داد. مدتی به این منوال گذشت و مشکلی پیش نیامد اما یک روز دچار حالت تهوع،

داد و من به شدت بابت این کارهایش عذاب می کشیدم. زمانی که به همسرم اعتراض می کردم بسیار پر خاشگر می شد و به من حمله می کرد و حتی چند بار دستم را شکست.

اگر یک بار غذایی از خانه مادرش به منزل می آورد آن قدر سرگرفت و نق می زد که غذا را برای من زهر مار می کرد.

ناراحتی و پر خاشگری همسرم به دوران کودکی اش برمی گشت چون به گفته خودش اصلاً دوران کودکی خوبی نداشت و محبتی از طرف اعضای خانواده اش ندیده بود، برای همین دچار ناراحتی اعصاب و روان شده و بدبین بار آمده بود.

به خاطر درگیری های مداوم او با اعضای خانواده اش و همچنین اقوامش به او لقب جنگجو داده بودند.

وضعیت مالی مان به خاطر فعالیت های ساختمانی همسرم بد نبود اما از نظر روحی و روانی آرامش نداشتیم و با هم مشکل داشتیم.

نزدیک به ۵ سال همسر را با خون دل خوردن تحمل کردم تا بلکه عاقل شود اما اصلاً خودش را اصلاح نکرد و حتی با قهر و دعوا هم نتوانستم کاری کنم.

وقتی دیدم همه راه ها به بن بست ختم می شود و از طرفی جانم در خطر است قید زندگی با او را زدم و به دادگاه آمدم تا از دست او شکایت کنم و بعد از او جدا شوم و دنبال سرنوشت خودم بروم.

البته من هم مقصر بودم که زندگی مشترک مان را از خیابان آغاز کردم.

ضعف و درد شکم شدم و دوباره به خاطر سستی ام همسرم به جای من به دکتر مراجعه کرد و مثل سابق با گفتن علایم بیماری برایم دارو گرفت. بعد از گرفتن داروها من هم شروع به خوردن آن ها کردم اما این بار به جای بهبودی، حالم روز به روز بدتر شد تا این که کارم به بیمارستان کشید. پزشک بعد از معاینه با دیدن داروهایی که استفاده کرده بودم با تعجب به من خیره شد و گفت چرا داروهای زنانه (مخصوص دوران

بارداری) استفاده کرده ام. تازه آن موقع بود که متوجه شدیم زمان مراجعه همسرم به مطب، دکتر تصور این که همسرم باردار است دارو برایش تجویز کرده بود و من هم آن ها را بدون توجه مصرف کردم و حالم بدتر شد. این ماجرا برابم یک تجربه بزرگ شد که دیگر دست از تنبلی و سهل انگاری بردارم و زمان بیماری خودم به پزشک مراجعه کنم نه این که همسر را به جای خودم به مطب دکتر بفرستم.

## آگهی تغییرات شرکت ره آورد خودرو شیروان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۹۵۶ و شناسه ملی ۰۸۶۱۳۵۲۳۰۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -آقای

سیداحمد جهان پور به کدملی ۰۸۲۷۹۰۱۲۵۹ به سمت رئیس هیئت مدیره و خانم زهرا

همتی به کدملی ۰۹۳۸۷۹۸۶۲۶ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای محمد رحیم

امینی به کدملی ۰۸۲۹۳۵۰۴۳۸ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند.

- کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، برات به امضای مشترک آقای

محمدرحیم امینی (مدیرعامل) و سیداحمد جهان پور (رئیس هیئت مدیره) یا زهرا همتی

(نائب رئیس هیئت مدیره) و مهر شرکت و اوراق عادی و اداری به امضای محمدرحیم امینی

(مدیرعامل) و مهر شرکت معتبر می باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین وضعیت حق

امضاءتعیین سمت مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت

حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی های سازمان ثبت قابل دسترس می باشد.

## سهیل نشات- رئیس اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری بجنورد

۹/۹۷۱۳۹۰۷

## تاسیس موسسه غیرتجاری رویای آسمان برفی خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۲

## به شماره ثبت ۵۵۲ به شناسه ملی ۰۹۷۰۲۶۵۰۷۴۰۰

ثبت و امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می گردد. موضوع: - مشارکت در برگزاری همایش، گردهمایی و سمینار و همکاری در برپایی نمایشگاه و جشنواره های فرهنگی هنری. - برگزاری نمایشگاههای کتاب (عمومی و موضوعی) (با اخذ مجوز لازم). - طراحی و برگزاری دوره های آموزش فرهنگی هنری (طبق نظر استان) - برگزاری و یا مشارکت برای اجرای کنسرت های موسیقی (با اخذ مجوز لازم) - فعالیتهای آزاد هنرهای تجسمی شامل نقاشی های شهری، کارگاههای آموزشی. - برگزاری نشستهای تخصصی و کارگاههای آموزشی در حوزه فرهنگ و هنر شماره مجوز ۳۰۹۶۹۷۷۱ تاریخ مجوز ۱۳۹۶/۱۰/۲۳ (پس از اخذ مجوز از مراجع ذیصلاح) مدت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود، مرکز اصلی: استان خراسان شمالی - شهرستان بجنورد - بخش مرکزی- شهر بجنورد- پارک شهر- کوچه گل لادن (طالقانی شرقی ۱۲) - خیابان طالقانی شرقی- پلاک ۸۸ - طبقه دوم- کدپستی ۹۴۱۴۶۸۳۱۶۸ سرمایه شخصیت حقوقی: ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد. اسامی و میزان سهم الشرکه که شرکا: خانم محبوبه ایزانلو به شماره ملی ۰۶۸۲۰۰۱۲۱۱ دارنده ۴۰۰/۰۰۰ ریال سهم الشرکه آقای محمد آگاهی حسن آباد به شماره ملی ۰۶۸۲۴۳۷۶۹۷ دارند ۲۰۰/۰۰۰ ریال سهم الشرکه آقای رضا کریمی به شماره ملی ۰۷۵۹۲۶۷۱۱۱ دارنده ۴۰۰/۰۰۰ ریال سهم الشرکه که اولین مدیران: خانم محبوبه ایزانلو به شماره ملی ۰۶۸۲۰۰۱۲۱۱ و به سمت عضو هیئت مدیره و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال آقای محمد آگاهی حسن آباد به شماره ملی ۰۶۸۲۴۳۷۶۹۷ و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای رضا کریمی به شماره ملی ۰۷۵۹۲۶۷۱۱۱ و به سمت رئیس هیئت مدیره و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال دارندگان حق امضاء: تمامی اوراق و اسناد بهادار و قراردادهای تعهدآور و سایر نامه های عادی و اداری با امضای خانم محبوبه ایزانلو مدیرعامل و مهپور به مهر مؤسسه فرهنگی و هنری معتبر خواهد بود. اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه. روزنامه خراسان شمالی جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید. (ثبت موضوع به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد).

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی

اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری بجنورد

۹/۹۷۱۳۷۰۰

## لیست نمایندگی های مجاز آگهی، فروش و اشتراک روزنامه خراسان در استان خراسان شمالی

بجنورد (دفتر سرپرستی)	بجنورد، خیابان طالقانی غربی، ابتدای چهارراه بسیج، نبش کوچه آذر پلاک ۲۶۳	۰۱۴-۳۲۲۳۰ ۳۲۲۱۲۷۶۰
شیروان (نوروززاده)	شیروان، میدان انقلاب جنب اداره مخابرات کیوسک مطبوعاتی (پذیرش آگهی، فروش، اشتراک)	۰۹۱۵۳۸۶۵۳۲۰ ۳۶۲۳۵۰۶۰
جرگلان (نجاهی)	(پذیرش آگهی)	۰۹۱۵۰۸۹۸۴۱۰
شیروان (رضانژاد)	شیروان، میدان انقلاب جنب اداره مخابرات کیوسک مطبوعاتی (پذیرش آگهی، فروش، اشتراک)	۰۹۱۵۳۸۶۵۷۳۸ ۳۶۳۴۰۲۷۲
آشخانه (روح پرور)	آشخانه بلوار شهید بهشتی، روبروی بانک کشاورزی کیوسک مطبوعاتی (پذیرش آگهی، فروش، اشتراک)	۰۹۱۵۵۸۵۰۹۲۶ ۳۳۹۲۸۰۰۳۳
گرمه (محمودیان)	(پذیرش آگهی)	۰۹۱۵۵۸۵۸۸۲۵
راز (رحمانی)	(پذیرش آگهی)	۰۹۱۵۵۸۵۰۰۵۹ ۳۳۶۲۴۶۵۲
جاجرم (معینی)	(پذیرش آگهی)	۰۹۳۹۶۰۵۲۱۶۱ ۳۲۲۷۷۲۱۵
شیروان، خیابان فلسطين، نرسیده به مرکز بهداشت (پذیرش آگهی، فروش، اشتراک)	شیروان (عوض زاده)	۰۹۱۵۷۸۸۸۸۴۸ ۳۶۲۴۹۶۹۹
اسفراین، خیابان امام خمینی (ره) کتابفروشی ارسطو (پذیرش آگهی، فروش، اشتراک)	اسفراین (شریفان)	۰۹۱۵۳۶۹۳۷۸۱ ۳۷۲۲۲۲۷۴
(پذیرش آگهی)	اسفراین (نجفیان)	۰۹۱۵۷۴۲۲۰۹۸
(پذیرش آگهی)	آشخانه (برومند)	۰۹۳۰۲۸۳۴۶۹۰
جاجرم- میدان امام، عکاسی دیدگان (پذیرش آگهی، فروش، اشتراک)	گرمه و جاجرم (صادق زاده)	۰۹۱۵۳۸۵۴۵۱۹ ۳۲۲۷۲۲۸۱
(پذیرش آگهی، فروش، اشتراک)	فاروج (صادقی)	۰۹۱۵۸۸۵۱۶۵۹ ۰۹۳۵۵۵۲۱۵۳۸
(پذیرش آگهی)	فاروج (میم پرور)	۰۹۱۵۱۸۹۷۴۴۴ ۰۹۳۵۴۷۱۲۹۰۱